

توفان «طلاق» در کشور



طلاق در زندگی مشترک به منظور راهکار خروج از بن‌بست‌ها تعریف شده است. به مرور زمان طلاق بن بست‌ی در زندگی خانوادگی و تحکیم خانواده شد و راهکار اولیه و اصلی بسیاری از زوجین شد.

طلاق در زندگی مشترک به منظور راهکار خروج از بن‌بست‌ها تعریف شده است. به مرور زمان طلاق بن بست‌ی در زندگی خانوادگی و تحکیم خانواده شد و راهکار اولیه و اصلی بسیاری از زوجین شد. اساساً به دلیل کاهش در اتلاف وقت زوجین در هنگام طلاق مطرح شد، اما به مرور به یکی از بزرگ‌ترین خطراتی تبدیل شد که بنیان خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. طلاق در سال گذشته رکوردشکنی کرده و در تاریخ ایران بی‌سابقه بود، حال راهکار چیست؟ آیا زمان آن نرسیده که فکری اساسی به حال مساله خانواده و تحکیم آن انجام دهیم؟ به نظر می‌رسد آموزش‌های پیش از ازدواج راهکار نهایی برای معضل طلاق در جامعه نبوده است و باید به فکر فرهنگسازی در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها باشیم تا شاید گره کور طلاق در ایران آسان باز شود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان سوال اصلی، تبعات خروج آمار طلاق از حد استاندارد و مشروع است. در واقع افسارگسیختگی آمار طلاق چه مشکلاتی را برای جامعه ایجاد می‌کند؟ آمار طلاق به روشنی روز به ما ثابت می‌کند جامعه ایران دچار مشکلات متعددی در زمینه شکل‌گیری، حفظ و ثبات نهاد خانواده است و همچنین باید در مورد روش‌ها و نوع نگاه جامعه به طلاق بازنگری اساسی کرد. علاوه بر آمار تاسف‌بار طلاق شاهد کاهش حدود هشت درصدی در آمار ازدواج نیز بوده‌ایم. کاهش میزان ازدواج در شرایطی که جامعه به سوی کهنسالی حرکت می‌کند و میانگین سنی افراد افزایش یافته هشدار جدی برای جامعه انسانی کشور است.

طلاق، کلید آسیب‌های اجتماعی

طلاق یک عامل بسیار موثر در تولید بسیاری از آسیب‌ها و بن‌بست‌های اجتماعی است و یکی از مهم‌ترین آنها تولید فرزندان طلاق است. بخش عمده‌ای از فرزندان طلاق درگیر انواع مختلفی از آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، کودکان کار، افت تحصیلی و کاهش عملکردهای اجتماعی می‌شوند و به‌ویژه دختران را از نظر مسائل اخلاقی با مشکل مواجه می‌کند. به‌طور کلی پدیده طلاق امروز حدود و مرزهای استاندارد و قابل‌قبول را پشت سر گذاشته است. درست مانند گردبادی قابل‌پیش‌بینی که فضا و نظام اجتماعی جامعه را هدفگذاری کرده است. بنابراین زنگ خطر برای هشکاری مسئولان و مردم به صدا درآمده تا بتوان از رشد این پدیده پیشگیری کرد و آن را کاهش داد.

طلاق‌های ثابت نشده!

میزان طلاق اعلام شده از سوی سازمان ثبت و احوال کشور بیانگر طلاق‌های رسمی و ثبت شده است، بنابراین اگر بخواهیم آمار طلاق‌های عاطفی را نیز بر این میزان بیفزاییم در این صورت با شرایطی فاجعه‌آمیز روبه‌رو هستیم. در حال حاضر ثابت شده بخش قابل‌توجهی از زوجین طلاق رسمی نمی‌گیرند، اما درگیر طلاق عاطفی هستند. این واقعیت آغازگر مسائل خطرناکی میان زوجین مانند خیانت است، زیرا نوع برخورد زوجینی که درگیر طلاق عاطفی هستند به هیچ‌عنوان دوستانه و همدلانه نیست.

فرزندی که پدر یا مادر ندارد

قطع ارتباط جدی میان فرزندان و یکی از والدین آثار مخربی بر آنها دارد. جلوه بصری طلاق را امروزه با تعداد زیاد و قابل‌توجه زنان سرپرست‌خانوار مشاهده می‌کنیم. هر چند این آمار در کلانشهرها یا شهرهای مختلف متفاوت است، اما آمار قابل توجه آن سبب آسیب‌های جدی به زنان شده است. اغلب این زنان درحالی سرپرست خانوار می‌شوند و مسئولیت نگهداری فرزند را برعهده دارند که دارای شغل نیستند و توانمندی خاص و قابل‌اشاره‌ای نیز ندارند. قطعاً این زنان و فرزندان آنها درگیر آسیب‌های بسیار جدی در بستر جامعه می‌شوند و نگاه نامتعارف و ابزاری بخشی از جامعه به این زنان تنها نمونه کوچکی از آنهاست. از سوی دیگر

مسائل تامین معیشت خانواده و همچنین کنترل شرایط زندگی از نمونه مشکلات مهم دیگر این زنان است. در واقع آنها علاوه بر نقش زن خانواده مرد نیز هستند و اغلب فقدان زمان مجال رسیدگی و تربیت درست فرزندان را از آنها می‌گیرد. این افشار با آسیب‌های خاص و بسیار متفاوتی مواجه‌اند. در ایفای نقش مادری و مراقبت از فرزند به میزان کمی موفق خواهند بود، زیرا باید جبران خلأ وجود پدر را نیز برای فرزندان پر کنند. اغلب این زنان پس از طلاق عهده‌داری و نگاهداری و مراقبت از فرزند خود نیز هستند. آنها در انجام وظایف مادری خود اغلب ناموفق هستند و نمی‌توانند خلأ نبود پدر را برای فرزندان پر کنند.

حمایت قانونی لازم نمی‌شود؛

به‌رغم تمام مشکلات فوق‌الذکر و همچنین مشکلاتی که مجال گفتن آنها در این مقال نمی‌گنجد قوانین کافی در زمینه حمایت از زنان سرپرست خانوار نیز وجود ندارد و به این دلیل گاهی این زنان با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و قدم در راهی می‌گذارند که بازگشت از آن امکانپذیر نیست. حمایت از زنان سرپرست خانوار هر چند اکنون وجود دارد، اما کافی نیست. دامنه فقر در میان زنان سرپرست خانوار بسیار وسیع‌تر از سایر افراد در جامعه است. این زنان که زمانی طعم تلخ ناکامی و شکست را در زندگی زناشویی چشیده‌اند و اختتام زندگی آنها به طلاق منجر شده است، حال باید دوباره ناکامی و شکست در تامین نیازهای زندگی را بر دوش بکشند. این ناکامی و شکست گاهی این زنان را به شدت رنجور و خسته می‌کند و آنها در مقابل مشکلات کم می‌آورند و در نهایت تسلیم فشارهای جامعه و درگیر آسیب‌های اجتماعی می‌شوند.

زنگ خطری که به صدا درآمد

زنگ خطر برای آینده جامعه به صدا درآمده و قادر به ایجاد تزلزل در نظام اجتماعی کشور است. بنابراین باید برای خانواده و تحکیم آن فکری اساسی کرد. در رأس این اقدامات مسئولان دولتی وجود دارند. دیگر زمان آن فرا رسیده فریادهای هولناک و رسای طلاق را از بستر جامعه بشنوند و برای مواجهه و مقابله با آن اقدامات اساسی انجام دهند. طبیعی است برخی زوجین نتوانند با یکدیگر کنار بیایند و با یکدیگر متارکه کنند. در واقع طلاق در بازه‌های قابل قبول به‌عنوان یک مساله اجتماعی پذیرفتنی است و می‌تواند دلایل و توجیحات اجتماعی داشته باشد و می‌شود درباره آن بحث و تبادل نظر کرد. آمار طلاق در سال گذشته از سال 1344 تا به امروز در تاریخ ایران بی‌سابقه بوده و یک رکورد به حساب می‌آید. این آمار نمود هشدار خاصی است که نشانه‌های خود را به‌ویژه در حوزه تنزل در بنیان اجتماعی خانواده‌ها نشان می‌دهد.

لزوم اهمیت به آموزش

حدود یک سوم و 30 درصد از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود و در پاره‌های از شهرها نیمی از ازدواج‌ها مختوم به طلاق‌اند. اگر در نظر داشته باشیم که بیشترین طلاق‌ها در پنج سال اول زندگی مشترک رخ می‌دهند، آنگاه می‌پذیریم که جامعه در حل بحران‌های خانوادگی ماهر نبوده و تا حدود زیادی ناتوان است. این را رئیس انجمن آسیب‌شناسی ایران می‌گوید. کوروش محمدی می‌افزاید: خانواده‌ها با نگاه غیرماهرانه، آماتور و مبتنی بر احساس با فرزندان خود برخورد می‌کنند و سبک‌های رایج فرزندپروری و اصول تربیتی در خانواده‌ها و همچنین نظام تعلیم و تربیت که شامل مدارس و دانشگاه می‌شود نیازمند اصلاح هستند تا در آینده شاهد رشد بیشتر پدیده طلاق در جامعه نباشیم. او خاطرنشان می‌کند: مطالعات قبلی صورت گرفته به طلاق حاکی از وقوع کمتر این آسیب‌های اجتماعی در میان خانواده‌ها با وضعیت مالی مساعد بود. همچنین طلاق در مناطق شهری و برخوردار بیش از مناطق روستایی و کم‌برخوردار رخ می‌داد، اما آمارهای فعلی نشان از حقیقتی هولناک دارد. محمدی می‌افزاید: مطالعات امروز که در حال تکمیل و به‌روزرسانی هستند نشان‌دهنده این حقیقت تلخ هستند که طلاق امروز بدون مرز و حدود است. در واقع معادلات در تحقیقات قبلی به هم‌ریخته و آمارهای حاصله قابل اتکا نیستند. امروز طلاق در میان تحصیلکردگان و خانواده‌های ساکن در مناطق کم‌برخوردار نیز بسیار رخ می‌دهد و جامعه با پذیرش و مقبولیت بیشتری با طلاق مواجه شده است. در واقع جامعه امروز به مرور با بحث طلاق پیوند برقرار کرده و با آن آشتی کرده است. او می‌گوید: اتفاق شوم آشتی جامعه با اعتیاد در حال حاضر درباره طلاق تکرار می‌شود. زمانی افراد جامعه نسبت به اعتیاد حساسیت بالایی داشتند، اما امروز در حالی که اعتیاد رشد کرده و حجم وسیعی از افراد را درگیر خود کرده جامعه حساسیت زیادی به آن نشان نمی‌دهد. اعتیاد زمانی بیماری مردانه محسوب می‌شد اما امروز مرزهای

جنسیتی را پشت‌زنج‌سر گذاشته و بلای خانمان‌زنج‌سوز زنان و مردان با یکدیگر است. محمدی هشدار دارد: جامعه به مرور زمان با طلاق نیز به هم‌زنج‌زیستی مسالمت‌زنج‌آمیز رسیده است و تحت عنوان طلاق توافقی زوجین مساله طلاق را در میان یکدیگر پذیرفته‌زنج‌اند و امروز حجم زیادی از طلاق‌زنج‌ها در محاکم قضائی با توافق انجام می‌زنج‌شوند. رئیس انجمن آسیب‌زنج‌شناسی ایران می‌زنج‌گوید: افزایش آمار بی‌زنج‌سابقه طلاق در جامعه بر مساله ازدواج تاثیر منفی می‌زنج‌گذارد و این تاثیر منفی در کاهش آمار ازدواج در سال‌زنج‌گذشته مشهود است. از سوی دیگر گسترش بسیاری از آسیب‌زنج‌های اجتماعی سن ازدواج را نیز مورد هدف قرار می‌زنج‌دهد و این واقعیت به‌زنج‌صورت آسیبی جدی مطرح است. امروز سن ازدواج نسبت به سال‌زنج‌های قبل بالاتر رفته و کاهش آمار ازدواج زنگ خطر برای جامعه است، زیرا جامعه برای ادامه حیات مفید نیازمند جوان تر شدن و زاد و ولد است و باید به مانند 20 سال قبل دوباره به هر‌زنج‌جمعیتی با میانگین بالای سنین جوانی برسیم. محمدی می‌زنج‌افزاید: این آسیب‌زنج‌ها بنیان خانواده را تضعیف می‌زنج‌کنند و مسائل اخلاقی را در جامعه رشد می‌زنج‌دهند. سن ازدواج را دچار تغییرات ناخوشایند می‌زنج‌کنند و آسیب‌زنج‌های نوپیدی مانند ازدواج سپید را در جامعه و برخی از کلانشهرها رشد می‌زنج‌دهند.